

مقاله پژوهشی
اصلی
Original
Article

فرا تحلیل مطالعات ارتباط سبکهای فرزندپروری والدین و میزان هویت دینی دانش آموزان در ایران

محمد رضا حشمتی^۱، اسداله بابایی فرد^۲، محسن نیازی^۳

چکیده

هدف: سبکهای فرزندپروری از عوامل مؤثر در شکل گیری هویت دینی فرزندان به شمار می روند. این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین سبکهای فرزندپروری و هویت دینی فرزندان در ایران، در بازه زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۳ انجام شد. **روش:** مطالعه حاضر به شیوه فراتحلیل و با رویکرد کاربردی انجام شده است. از میان ۱۹ پژوهش مرتبط با موضوع، ۱۱ مطالعه که دارای سنجههای پایا و مرتبط با متغیرهای مد نظر بودند، انتخاب شدند. برای تحلیل داده ها از نرم افزار س.ام.ای استفاده شد. **یافته ها:** نتایج تحلیلها نشان دهنده ناهمگنی اندازه اثر در مطالعات منتخب و نبود سوگیری نشر بودند. همچنین متغیرهای تعدیلگر مانند سال انجام پژوهش و مکان جغرافیایی بر نتایج تأثیرگذار بودند. اندازه اثر کلی به دست آمده برای رابطه بین سبکهای فرزندپروری و هویت دینی برابر با ۰.۳۱۲ بود که بر اساس نظام تفسیری کوهن، در سطح متوسط ارزیابی شد. **نتیجه گیری:** بر اساس نتایج پژوهش، سبکهای فرزندپروری، به ویژه سبک مقتدرانه، می تواند نقش مهمی در تقویت هویت دینی ایفا کنند. پیشنهاد می شود نهادهای آموزشی، فرهنگی و رسانه ای، برنامه های مداخله ای را برای ترویج این سبک در خانواده ها طراحی کنند. همچنین برگزاری دوره های آموزشی والدگری دینی و ادغام مفاهیم تربیت دینی در مشاوره های مدارس می تواند به ارتقای هویت دینی نسل نوجوان کمک کند.

واژگان کلیدی: فراتحلیل، سبکهای فرزندپروری والدین، هویت دینی، دانش آموزان، ایران.

❖ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۲

۱. دانشجوی دکتری جامعه شناسی بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان. کاشان، ایران.

۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان. کاشان، ایران. (نویسنده مسئول).

۳. استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان. کاشان، ایران.

الف) مقدمه

سبکهای فرزندپروری و هویت دینی دانش‌آموزان، دو عنصر کلیدی در شکل‌گیری شخصیت و رفتارهای اجتماعی نوجوانان‌اند و نقش بسیار مهمی در فرایند رشد و توسعه فردی ایفا می‌کنند. سبکهای فرزندپروری به روشها و رویکردهایی اشاره دارند که والدین برای تربیت فرزندان خود اتخاذ می‌کنند و می‌توانند تأثیرات عمیقی بر هویت دینی آنان داشته باشند. هویت دینی به معنای درک فرد از خود در زمینه اعتقادات مذهبی و معنوی است که تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی قرار می‌گیرد. در این راستا، پژوهشها نشان داده‌اند که والدین با سبکهای فرزندپروری مقتدرانه، که شامل عشق و حمایت به همراه نظارت و ساختار است، معمولاً فرزندان با هویت دینی قوی‌تر پرورش می‌دهند (ریانی^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که سبکهای فرزندپروری نه تنها بر هویت دینی، بلکه بر رفتارهای اجتماعی و روان‌شناختی دانش‌آموزان نیز تأثیر گذارند. برای مثال، والدین با سبکهای سهل‌گیرانه ممکن است فرزندان با هویت دینی نامشخص یا ناهماهنگ تربیت کنند که این موضوع می‌تواند منجر به بروز مشکلات رفتاری در آینده شود (هوانگ^۲ و همکاران، ۲۰۲۳). همچنین سبکهای اقتداری که شامل کنترل زیاد و سخت‌گیری‌اند، می‌توانند به کاهش کیفیت روابط والد-فرزند و تضعیف هویت دینی منجر شوند. (کوچ^۳ و همکاران، ۲۰۲۴)

پژوهش حاضر با رویکرد فراتحلیل، به بررسی نتایج مطالعات انجام‌شده پیرامون ارتباط میان سبکهای فرزندپروری والدین و میزان هویت دینی دانش‌آموزان در ایران می‌پردازد. با توجه به نقش محوری والدین در شکل‌گیری باورها و ارزشهای دینی فرزندان، سبکهای تربیتی می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت یا تضعیف هویت دینی ایفا کنند. تحلیل داده‌های حاصل از پژوهشهای پیشین نشان می‌دهد که سبکهای فرزندپروری مقتدرانه، بیشترین همبستگی مثبت را با رشد هویت دینی در دانش‌آموزان دارند؛ در حالی که سبکهای سهل‌گیرانه یا مستبدانه ممکن است این روند را تضعیف کنند. هدف از این فراتحلیل، شناسایی الگوهای مشترک و میزان اثرگذاری سبکهای مختلف فرزندپروری بر هویت دینی دانش‌آموزان در بافت فرهنگی و اجتماعی ایران است. نتایج این مطالعه می‌تواند به خانواده‌ها،

1. Riany
2. Hwang
3. Koch

مربیان و سیاستگذاران آموزشی در انتخاب و ترویج شیوه‌های تربیتی مؤثر برای پرورش دینی نسل آینده یاری رساند.

۱. مبانی نظری پژوهش

یکی از نظریات اصلی، «کارکردگرایی» است که نقش دین در تقویت انسجام اجتماعی را برجسته می‌کند. در این نظریه، فرزندپروری ابزاری برای انتقال ارزشهای دینی و اجتماعی به نسلهای بعدی است. والدین از طریق آموزش مستقیم و غیر مستقیم، نظم اجتماعی و تداوم ساختارهای فرهنگی را تقویت می‌کنند (اسمیت^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). در مقابل، نظریه «تضاد» به نقش دین در بازتولید نابرابری‌های اجتماعی اشاره دارد. این دیدگاه بر این باور است که والدین ممکن است باورهای دینی را به گونه‌ای منتقل کنند که تفاوت‌های طبقاتی یا جنسیتی تقویت شود و این امر در برخی موارد به تعارضات اجتماعی منجر می‌شود. (جانسون، ۲۰۲۱)

نظریه «کنش متقابل نمادین»، تعاملات روزمره میان والدین و فرزندان را عامل اصلی شکل‌گیری هویت دینی می‌داند. زبان، نمادها و آیینهای مذهبی که والدین به فرزندان منتقل می‌کنند، نقش کلیدی در درونی‌سازی ارزشها دارند. برای مثال، حضور در مراسم مذهبی خانوادگی یا انجام دعاها تأثیر عمیقی بر هویت دینی فرزندان دارد (گونزالز، ۲۰۲۲). نظریه «ساختاریابی» بر تعامل میان ساختارهای اجتماعی و عاملیت فردی تأکید دارد. والدین با استفاده از نهادهای مذهبی و منابع فرهنگی، ارزشهای دینی را منتقل می‌کنند و در عین حال، ساختارها را بر اساس نیازهای خانوادگی بازتعریف می‌کنند (میلر، ۲۰۲۳). همچنین نظریه «انتخاب عقلانی»، تصمیم‌گیری منطقی والدین و فرزندان را درباره مشارکت در فعالیتهای مذهبی را مطرح می‌کند. والدین معمولاً تلاش می‌کنند فرزندان را متقاعد کنند که دین به عنوان سرمایه‌ای اجتماعی و فرهنگی، مزایایی مانند حمایت اجتماعی و انسجام خانوادگی دارد. (تامپسون، ۲۰۲۱)

نظریه «یادگیری اجتماعی» بیان می‌کند که کودکان از طریق مشاهده و تقلید رفتار والدین، ارزشها و باورهای دینی را فرا می‌گیرند. والدین با ایفای نقش الگو در رفتارهای مذهبی، مانند شرکت در مراسم مذهبی یا عبادات، تأثیر عمیقی بر هویت دینی کودکان

-
1. Smith
 2. Johnson
 3. Gonzalez
 4. Miller
 5. Thompson

دارند (سباستین، ۲۰۲۲^۱). نظریه «انتقال بین نسلی» نیز بر انتقال باورها و ارزشهای مذهبی از طریق تعاملات خانوادگی تأکید دارد. تحقیقات نشان داده‌اند که پابندی والدین به ارزشهای دینی و مشارکت در آموزش دینی، احتمال موفقیت در انتقال این ارزشها به نسل بعد را افزایش می‌دهد. (گودمن و دایر، ۲۰۲۰^۲)

نظریه «دلبستگی» که توسط جان بالبی و مری اینسوورث توسعه یافته است، بر نقش روابط عاطفی والدین و فرزندان در پذیرش ارزشهای دینی تأکید دارد. احساس امنیت و اعتماد در رابطه والدین و کودک، زمینه‌ساز درونی‌سازی باورهای مذهبی می‌شود. والدین حمایتگر و صمیمی می‌توانند ارتباط قوی‌تری میان فرزندان و مذهب ایجاد کنند (گرانکوئیست، ۲۰۰۲^۳). نظریه «تأثیر زمینه اجتماعی» نقش والدین را به عنوان بخشی از محیط اجتماعی کودکان در شکل‌گیری هویت دینی برجسته می‌کند. تعاملات خانوادگی و مشارکت در فعالیتهای مذهبی جمعی، از عناصر کلیدی در تقویت باورهای دینی‌اند. (جیکوب، ۲۰۲۰^۴)

سبکهای فرزندپروری شامل سبک مقتدرانه، مستبدانه و آسان‌گیر، تأثیر مستقیمی بر درونی‌سازی ارزشهای دینی دارند. سبک مقتدرانه که بر ارتباطات باز و تعامل صمیمانه تأکید دارد، بیشترین تأثیر را در تقویت هویت دینی دارد. این سبک به کودکان اجازه می‌دهد ارزشهای دینی را در فضایی آزادانه و با استقلال درونی‌سازی کنند (میلر، ۲۰۰۵). علاوه بر سبکهای فرزندپروری، بافتهای فرهنگی و اجتماعی نیز نقش مهمی در شکل‌گیری هویت دینی ایفا می‌کنند. کودکانی که در محیطهای مذهبی با تنش بالا زندگی می‌کنند، معمولاً تعهد دینی بیشتری نشان می‌دهند. مداخلات فرهنگی و اجتماعی نیز باید به شیوه‌ای انجام شوند که حساسیتهای مذهبی خانواده‌ها را در نظر بگیرند (پاتل، ۲۰۲۳^۵). این چارچوب نظری نشان‌دهنده پیچیدگی تعاملات میان سبکهای فرزندپروری، عوامل اجتماعی و فرهنگی و هویت دینی است. این عوامل نه تنها بر درونی‌سازی ارزشهای دینی تأثیر می‌گذارند، بلکه به شکل‌گیری هویت دینی در محیطهای خانوادگی و اجتماعی کمک می‌کنند.

1. Sebastian
2. Goodman & Dyer
3. Granqvist
4. Jacob
5. Patel

۲. پیشینه تحقیق

پژوهشهای متعددی به بررسی ارتباط سبکهای فرزندپروری والدین با مؤلفه‌های دینی و معنوی فرزندان پرداخته‌اند. گراوند و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با مدل علی دریافتند سبک فرزندپروری مقتدرانه از طریق سبک تفکر قضایی به طور معناداری مذهب درونی را تقویت می‌کند. شریفی و همکاران (۱۳۹۷) نشان دادند که سبک فرزندپروری مقتدرانه، بیانگری و گرایشهای فکری- فرهنگی خانواده، از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های هویت اخلاقی نوجوانان‌اند. رجب‌تبار درویشی و همکاران (۱۳۹۵) گزارش کردند که سبکهای فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه با نگرش مذهبی رابطه مثبت دارند؛ در حالی که سبک سهل‌گیرانه فاقد این رابطه است. جهانگیرزاده قمی و همکاران (۱۳۹۶) دریافتند که دینداری والدین با سبکهای سهل‌گیرانه و آمرانه رابطه مثبت دارد؛ اما با سبک مقتدرانه رابطه معناداری ندارد. طهماسب‌نژاد و آراین (۱۳۹۹) نیز رابطه معنادار میان سبکهای فرزندپروری و پایگاه هویت را تأیید کردند، اما تأثیری بر دینداری مشاهده نکردند. فداکار گیلو و همکاران (۱۴۰۱) با تحلیل مسیر نشان دادند سبک مقتدرانه والدین و دینداری از طریق نقش میانجی دینداری، بهبود سلامت روان نوجوانان را پیش‌بینی می‌کنند. نوربخش و اویسی فردویی (۱۳۹۵) نیز اثبات کردند که سبکهای منطقی و عمل‌گرایانه تربیتی رابطه مثبت با دینداری نوجوانان دارند؛ در حالی که سبک آزادگذاری، رابطه‌ای معکوس دارد. شوکت‌پور لطفی و شمسیان (۱۴۰۰) دریافتند که سبک مقتدرانه و دین‌مداری والدین، با تاب‌آوری دانش‌آموزان رابطه مثبت دارند و سبکهای سهل‌گیرانه و مستبدانه رابطه‌ای منفی نشان دادند. وفاپور و همکاران (۱۳۹۸) نیز نشان دادند سبک مقتدرانه و جهت‌گیری مذهبی والدین با هوش معنوی فرزندان رابطه مثبت دارند؛ در حالی که سبک مستبدانه اثر منفی دارد. در مطالعه‌ای دیگر، فداکار گیلو و همکاران (۱۳۹۳) دریافتند که سبک مقتدرانه فرزندپروری، از طریق متغیرهای میانجی مانند عزت نفس، هوش هیجانی و سلامت روان، نقش غیر مستقیم قابل توجهی در پیش‌بینی دینداری ایفا می‌کند. کلانتری و همکاران (۱۳۹۸) نیز با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان دادند که دینداری والدین و سبکهای فرزندپروری، از طریق سبکهای هویت، معنا در زندگی نوجوانان دختر را پیش‌بینی می‌کنند.

یافته‌های این مطالعات حاکی از آن است که سبک فرزندپروری مقتدرانه به عنوان مؤثرترین سبک در ارتقای دینداری، هویت اخلاقی، معنا در زندگی و سلامت روان

نوجوانان ایرانی، نقش کلیدی دارد. همچنین متغیرهای میانجی مانند تفکر، عزت نفس و سبکهای هویت، بخشی از مسیر تأثیرگذاری این سبک تربیتی را توضیح می‌دهند.

برنر^۱ (۲۰۲۱) در پژوهش خود با عنوان «هویت مذهبی در ساختار اجتماعی نزدیک: مادران، پدران و اجتماعی شدن مذهبی فرزندان» به بررسی فرایند انتقال هویت مذهبی والدین به فرزندان پرداخت. این مطالعه با بهره‌گیری از نظریه هویت نشان داد که اهمیت احساسی^۲ و بروز موقعیتی^۳ هویت مذهبی والدین، به ویژه مادران، نقشی معنادار در شکل‌گیری هویت مذهبی فرزندان نوجوان ایفا می‌کند. نتایج حاکی از آن بود که هویت مذهبی مادران، تأثیر قوی‌تری نسبت به پدران دارد و مسیرهای معکوس (از فرزند به والدین) در این انتقال ضعیف‌ترند. این پژوهش بر نقش کلیدی مادران و فرایندهای اجتماعی شدن مذهبی در انتقال بین نسلی هویت مذهبی تأکید کرد. حافید^۴ (۲۰۲۳) در مقاله «آموزش اسلامی برای کودکان در سنین پایین: نقش والدین در شکل‌دهی هویت دینی در خانه» به بررسی نقش والدین در شکل‌دهی هویت دینی کودکان خردسال در محیط خانوادگی پرداخت. نتایج بیانگر آن بود که والدین با ارائه آموزشهای دینی از سنین پایین، نمایش رفتارهای دینی در زندگی روزمره و حمایت از آموزشهای رسمی و غیر رسمی دینی، زمینه‌ساز تقویت هویت دینی فرزندان می‌شوند. این تحقیق بر اهمیت نمونه‌سازی عملی و حمایت فعال والدین در فرایند اجتماعی شدن دینی تأکید دارد. رایان و واجیلی^۵ (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «مادری از طریق اسلام: روایتی از هویت دینی در لندن» به بررسی نحوه استفاده مادران با پیشینه‌های متنوع اسلامی در لندن، از تفسیرهای محافظه‌کارانه باورها و اعمال اسلامی برای تقویت راهبردهای فرزندپروری خود پرداختند. یافته‌ها نشان داد که این مادران از اسلام به عنوان چارچوبی برای آموزش مفاهیم درست و نادرست به فرزندان استفاده می‌کردند. آنها همچنین دین را ابزاری برای محافظت از فرزندان در برابر آسیبهای اخلاقی جامعه می‌دانستند. علاوه بر این، اسلام به عنوان منبع اقتدار، در تأیید شیوه‌های تربیتی آنان نقش داشت. پربووساری^۶ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «مدلهای فرزندپروری در شکل‌دهی شخصیت دینی کودکان» به بررسی نقش والدین در تربیت دینی و شکل‌دهی شخصیت مذهبی کودکان پرداخت. نتایج نشان داد که سبکهای فرزندپروری مثبت، به ویژه سبک دموکراتیک که مبتنی بر آزادی مسئولانه

1. Brenner

2. Prominence

3. Saliency

4. Hafid

5. Ryan & Vacchelli

6. Purbowasari

و تعامل محبت آمیز است، تأثیر بسزایی در شکل گیری شخصیت دینی کودکان دارد. والدین با ایفای نقشهایی چون الگوسازی رفتاری، ایجاد عادات دینی روزمره و گفتگوهای گرم و مؤثر، زمینه ساز تربیت دینی مؤثر در فرزندان می شوند. ویناس^۱ و همکاران (۲۰۲۴) در مقاله ای با عنوان «نقش سبکهای فرزندپروری در اجرای آموزش مسیحی برای نوجوانان بر اساس امثال ۱: ۸-۹ در کلیسای مسیحی جاوه بهاترا کاسیح» به بررسی تأثیر سبکهای فرزندپروری در تربیت مسیحی نوجوانان پرداختند. یافته ها نشان دادند که سبک فرزندپروری دموکراتیک، که بر ارتباط باز، مشارکت در تصمیم گیری و انضباط همراه با حمایت تأکید دارد، بیشترین انطباق را با آموزه های دینی مسیحی (امثال ۱: ۸-۹) داشته و در تقویت رشد اخلاقی و معنوی نوجوانان نقش مؤثری ایفا می کند. جمار^۲ (۲۰۲۳) در پیش چاپ خود با عنوان «تأثیر والدین و انتقال بین نسلی باورها، نگرشها و اعمال مذهبی: شواهد اخیر از ایالات متحده» به بررسی چگونگی انتقال بین نسلی مذهب و نقش والدین در شکل دهی هویت، باورها و اعمال مذهبی در دوران بزرگسالی پرداخته است. نتایج نشان داد که حضور والدین در فعالیتهای مذهبی و تعامل آنان با دین، رابطه معناداری با دینداری و باور به خدا در فرزندان در بزرگسالی دارد. اگرچه هویت مذهبی پدر، متغیرهای مذهبی را بهتر پیش بینی می کرد، اما هویت مذهبی والدین به طور کلی در پیش بینی هویت مذهبی فرزندان در بزرگسالی نقش تعیین کننده نداشت. این پژوهش پیچیدگی سازوکارهای انتقال دینی بین نسلی را برجسته و اهمیت تعامل فعال والدین با دین را در این فرایند روشن ساخت. نیکودم^۳ (۲۰۱۰) در مقاله «دین و خانواده: تأثیر هویت مسیحی بر درک روابط والدین و فرزندان» به بررسی رابطه بین هویت مسیحی و درک روابط میان والدین و فرزندان و ویژگی های تربیت مطلوب در خانواده پرداخت. نتایج نشان داد که افراد مذهبی گرایش بیشتری به تربیت دینی کودکان دارند؛ در حالی که غیر مذهبی ها بیشتر بر استقلال کودکان تأکید می کنند. این مطالعه تفاوت معنادار ارزشهای تربیتی بر اساس هویت دینی را برجسته ساخت. زیداه^۴ (۲۰۲۴) در مقاله ای با عنوان «نقش والدین در شکل دهی هویت اسلامی کودکان خردسال در عصر دیجیتال» به بررسی عمیق نقش والدین در شکل دهی هویت اسلامی کودکان خردسال در میان چالشهای دیجیتالی شدن پرداخت. نتایج نشان داد والدین با الگوسازی رفتاری، القای ارزشها، مدیریت فناوری و مشارکت در فعالیتهای دینی، هویت اسلامی فرزندان را تقویت می کنند. همچنین

1. Winasih
2. Jamar
3. Nikodem
4. Zaidah

افزایش سواد دیجیتال والدین به عنوان عامل مؤثر در این فرایند شناسایی شد. در مطالعه‌ای دیگر، هوانگ و همکاران (۲۰۲۳) نشان دادند که والدین با دینداری بالا، تمایل بیشتری به استفاده از سبک مقتدرانه دارند که این امر به تقویت هویت دینی فرزندان کمک می‌کند. مطالعه دیگری توسط کوچ و همکاران (۲۰۲۴) نشان داد که سبک مقتدرانه باعث افزایش رفتارهای دینی مثبت در کودکان می‌شود. در این پژوهش که با روش کمی و تحلیل داده‌ها انجام شد، یافته‌ها حاکی از آن بود که سبکهای مستبدانه و سهل‌گیرانه تأثیر کمتری بر رفتارهای دینی دارند. به طور مشابه، شوتنباوئر^۱ و همکاران (۲۰۲۳) دریافتند که والدین مقتدر معمولاً نوجوانانی با هویت دینی قوی‌تر پرورش می‌دهند؛ در حالی که سبکهای سهل‌گیرانه و مستبدانه تأثیر کمتری بر شکل‌گیری هویت دینی دارند. آدامچیک^۲ (۲۰۲۱) نیز در مطالعه‌ای نشان داد که والدین مذهبی، بیشتر به استفاده از سبک مقتدرانه تمایل دارند و این سبک به طور مستقیم با تقویت هویت دینی فرزندان مرتبط است. لی^۳ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با روش کمی، ارتباط بین سبکهای فرزندپروری و نگرش دینی دانش‌آموزان را بررسی کردند. نتایج این مطالعه نشان داد که نگرش مثبت به دین در دانش‌آموزانی که تحت تأثیر والدین مقتدر قرار دارند، بیشتر است؛ در حالی که سبکهای سهل‌گیرانه و مستبدانه تأثیر کمتری داشتند. مطالعات کیفی نیز اهمیت نقش دینداری والدین را در تربیت فرزندان تأیید کرده‌اند. بنگتسون^۴ و همکاران (۲۰۱۹) نشان دادند که والدین مذهبی با کیفیت روابط بهتر، تمایل بیشتری به استفاده از سبکهای تربیتی مثبت دارند که این امر به تقویت هویت دینی فرزندان کمک می‌کند. به طور مشابه، دولاहित^۵ و همکاران (۲۰۱۹) دریافتند خانواده‌هایی با سبک مقتدرانه، در انتقال ارزشهای دینی به فرزندان خود موفق‌تر عمل می‌کنند. نقش رسانه‌ها نیز در این زمینه قابل توجه است. پترو^۶ و همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای نشان دادند که رسانه‌ها بسته به نوع تربیت والدین می‌توانند به تقویت یا تضعیف هویت دینی فرزندان کمک کنند. والدینی که از سبک مقتدرانه استفاده می‌کردند، توانستند تأثیرات مثبت رسانه‌ها را تقویت کنند. در نهایت، کلی^۷ و همکاران (۲۰۲۲) نیز نشان دادند که دینداری والدین و استفاده از سبکهای تربیتی مقتدرانه می‌تواند به رفتارهای اجتماعی مثبت‌تر در فرزندان منجر شود.

-
1. Schottenbauer
 2. Adamczyk
 3. Li
 4. Bengtson
 5. Dollahite
 6. Petro
 7. Kelley

ب) روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبکهای فرزندپروری والدین و هویت دینی فرزندان در ایران، در بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ انجام شده است. این مطالعه از نوع کاربردی بوده و با استفاده از روش فراتحلیل به تحلیل نتایج پژوهشهای پیشین پرداخته است. فراتحلیل، روشی نظاممند برای ترکیب و تحلیل مجموعه‌ای از پژوهشهاست که با ثبت ویژگی‌ها و یافته‌های آنها در قالب مفاهیم کمی، امکان استخراج نتایج منسجم را فراهم می‌کند. در مرحله نخست، موضوع پژوهش به طور دقیق تعریف شد؛ در مرحله دوم، با گردآوری نظاممند پژوهشهای انجام شده در حیطه مد نظر، جامعه آماری شامل کلیه مقالات علمی-پژوهشی منتشر شده در ایران که به بررسی ارتباط بین سبکهای فرزندپروری و هویت دینی در بازه زمانی مذکور پرداخته‌اند، تعیین شد. این مقالات از پایگاههای علمی معتبر، از جمله: پرتال علوم انسانی، مجلات تخصصی نور، بانک اطلاعات نشریات کشور و جهاد دانشگاهی استخراج شدند. در مرحله سوم، با اعمال معیارهای انتخاب، از میان ۱۹ مقاله مرتبط، ۱۱ مقاله که دارای شرایطی نظیر مشخص بودن حجم نمونه، وجود همبستگی و سطح معناداری بودند، انتخاب شدند. در مرحله چهارم، داده‌های مربوطه با استفاده از نرم‌افزار سی.ام.ای^۱ تحلیل شدند.

در راستای افزایش دقت روش شناختی و اطمینان از هم‌سنخ بودن مطالعات، شاخصهای مشخصی برای ورود یا خروج پژوهشها در مرحله غربالگری تعیین شد. این شاخصها شامل معیارهایی همچون: زبان و محل انجام پژوهش، نوع مقاله، ابزار سنجش، طراحی پژوهش و کفایت اطلاعات آماری بودند. تنها آن دسته از مطالعاتی وارد فراتحلیل شدند که داده‌های کمی کافی و قابل تحلیل داشته، از ابزارهای پایا استفاده کرده و به صورت مستقیم به بررسی رابطه میان سبکهای فرزندپروری و هویت دینی پرداخته بودند. جدول ۱، شاخصهای ورود و خروج مطالعات را به صورت تفکیک شده نمایش می‌دهد.

جدول ۱: شاخصهای ورود و خروج مطالعات در فراتحلیل حاضر

معیار	شرح و توضیح	وضعیت
زبان مطالعه	فارسی و انجام شده در ایران	معیار ورود

مقاله	مقاله پژوهشی علمی- پژوهشی با ساختار کمی	معیار ورود
موضوع پژوهش	بررسی رابطه سبک فرزندپروری و هویت دینی	معیار ورود
دوره زمانی پژوهش	انجام شده بین سالهای ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۳	معیار ورود
ابزار سنجش معتبر	استفاده از پرسشنامه‌های پایا و استاندارد	معیار ورود
گزارش آماری قابل تحلیل	داشتن ضریب همبستگی، حجم نمونه، میانگین و انحراف معیار	معیار ورود
تکراری نبودن داده‌ها	مطالعات بدون داده تکراری یا نمونه مشابه	معیار ورود
فاقد داده آماری کافی	حذف پژوهشهایی بدون اطلاعات کمی قابل تحلیل	معیار خروج
عدم تمرکز بر متغیرهای اصلی	حذف پژوهشهایی که صرفاً به یکی از دو متغیر پرداخته‌اند	معیار خروج
طراحی کیفی یا مروری	حذف مطالعات غیر کمی، کیفی یا مروری	معیار خروج

۱. مراحل انجام فراتحلیل

مراحل این پژوهش شامل تعریف موضوع، گردآوری نظام‌مند پژوهشها، غربالگری و انتخاب مقالات، استخراج و ثبت اطلاعات، محاسبه اندازه اثر، تحلیل استنباطی یافته‌ها، ترکیب نتایج و بررسی متغیرهای تعدیلگر است.

در مرحله اول، موضوع پژوهش با عبارت «بررسی رابطه بین سبکهای فرزندپروری و هویت دینی در ایران» تعریف شد. سپس جامعه آماری بر اساس بازه زمانی مشخص، شامل کلیه مقالات علمی- پژوهشی منتشر شده در ایران که به این موضوع پرداخته بودند، انتخاب شد. این مقالات از پایگاه‌های علمی معتبری مانند پرتال علوم انسانی، مجلات تخصصی نور، بانک اطلاعات نشریات کشور و جهاد دانشگاهی استخراج شدند. در مرحله بعد، مقالات مرتبط غربالگری شدند و آنهایی که معیارهایی مانند مشخص بودن حجم نمونه، وجود شرایط همبستگی و سطح معناداری را داشتند، برای تحلیل انتخاب شدند. اطلاعات مقالات منتخب، شامل نام نویسندگان، جامعه آماری، سال انتشار، متغیرهای پژوهش، شیوه نمونه‌گیری، حجم نمونه، مکان پژوهش و میزان همبستگی، استخراج و در نرم‌افزار سی.ام.ای ثبت شد. در ادامه، اندازه اثر^۱ که شاخصی کلیدی در فراتحلیل برای بیان شدت رابطه بین متغیرهاست، محاسبه شد. داده‌های پژوهشی به شاخص R^2 تبدیل شدند تا امکان ترکیب نتایج

فرا تحلیل مطالعات ارتباط سبکهای فرزندپروری والدین ... ۱۴۱

فراهم شود. برای ارزیابی مفروضات فرا تحلیل، از نمودار کیفی و شاخص رگرسیونی اگر برای بررسی تورش انتشار استفاده شد. همچنین آزمونهای بگ و مزومدار و کیو برای سنجش ناهمگونی مطالعات به کار رفتند. به دلیل وجود ناهمگونی بین مطالعات، مدل اثرات تصادفی برای ترکیب نتایج و محاسبه اندازه اثر کلی استفاده شد. در نهایت، متغیرهای تعدیلگری مانند سال انتشار و مکان انجام پژوهش نیز بررسی شدند تا تأثیر آنها بر نتایج مشخص شود. این مراحل به پژوهش کمک کردند تا تصویری جامع و دقیق از رابطه میان سبکهای فرزندپروری و هویت دینی در ایران ارائه شود.

در اجرای این فرا تحلیل، فرایند غربالگری مطالعات با دقت کامل و بر اساس معیارهای از پیش تعیین شده انجام گرفت. ابتدا ۱۵۰ مقاله از طریق جستجو در پایگاههای اطلاعاتی گردآوری شد. سپس، در مرحله اول ۳۰ مقاله تکراری حذف شدند. در مرحله بعد، ۶۰ مقاله به دلیل عدم تطابق موضوعی با هدف پژوهش کنار گذاشته شدند. همچنین ۴۹ مطالعه به علت عدم ارائه دادههای کمی قابل تحلیل یا عدم امکان محاسبه اندازه اثر، از چرخه بررسی خارج شدند. در نهایت، ۱۱ مقاله که هم از لحاظ محتوایی و هم از نظر روش شناسی واجد شرایط بودند، برای انجام تحلیل نهایی انتخاب شدند. مراحل این فرایند به تفصیل در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: مراحل غربالگری و حذف مطالعات در فرا تحلیل حاضر

مرحله	تعداد مقالات
تعداد کل مقالات یافت شده	۱۵۰
حذف مقالات تکراری	۳۰
حذف مقالات غیر مرتبط با موضوع	۶۰
حذف مقالات فاقد داده کمی	۴۹
مطالعات وارد شده به فرا تحلیل	۱۱

ب) یافته های تحقیق

تحلیل اطلاعات جمع آوری شده از پژوهشهای مختلف در زمینه سبکهای فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه، سهل گیرانه) و مقادیر همبستگی آنها با جامعه های آماری مختلف در جدول ۳ ارائه شده است. این پژوهشها در بازه زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۱ انجام شده و شامل گروه های مختلفی از دانش آموزان، دانشجویان و والدین است. نمونه گیری ها به

روشهای متنوعی از جمله: تصادفی ساده، خوشه‌ای، خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی طبقه‌ای انجام شده و حجم نمونه‌ها از ۱۱۴ تا ۵۳۳ نفر متغیر است. مقادیر همبستگی برای سبک مقتدرانه، عموماً مثبت و قوی‌تر از سبکهای دیگر بوده است؛ در حالی که سبکهای مستبدانه و سهل‌گیرانه، مقادیر منفی یا ضعیف‌تری نشان داده‌اند. این اطلاعات، مبنای لازم را برای فراتحلیل و شناسایی الگوهای عمومی در سبکهای فرزندپروری و تأثیرات آنها فراهم می‌کند.

جدول ۳: خلاصه اطلاعات جمع‌آوری شده

ردیف	پژوهشگران	سال	جامعه آماری	مکان پژوهش	نوع نمونه‌گیری	حجم نمونه	یافته‌ها و مقادیر همبستگی
۱	گراوند و همکاران	۱۴۰۱	دانشجویان دختر مقطع کارشناسی دانشگاه فردوسی	مشهد	تصادفی طبقه‌ای	۲۵۰ نفر	مقتدرانه ۰/۴۴
							مستبدانه -۰/۱۴۱
							سهل‌گیرانه ۰/۲۲
۲	شریفی و همکاران	۱۳۹۷	دانش آموزان دختر و پسر متوسطه	قم	خوشه‌ای چندمرحله‌ای	۵۳۳ نفر	مقتدرانه ۰/۲۶
							مستبدانه ۰/۱۱
							سهل‌گیرانه -۰/۱۴۱
۳	رجب‌تبار درویشی و همکاران	۱۳۹۵	دانش آموزان دختر متوسطه	بابل	تصادفی ساده	۳۳۶ نفر	مقتدرانه ۰/۱۴۲
							مستبدانه ۰/۱۸۳
							سهل‌گیرانه -۰/۰۲۱
۴	جهانگیرزاده قمی و همکاران	۱۳۹۶	والدین	قم	تصادفی ساده	۱۱۴ نفر	مقتدرانه ۰/۱۳۸
							مستبدانه -۰/۲۰۷
							سهل‌گیرانه -۰/۳۱
۵	طهماسب‌نژاد و آراین	۱۳۹۹	دانش آموزان دختر متوسطه دوم	بابل	تصادفی ساده	۱۲۰ نفر	مقتدرانه ۰/۴۵۸
							مستبدانه -۰/۴۰۷
							سهل‌گیرانه -۰/۳۷۷
۶	نوریخش و اویسی فردویی	۱۳۹۵	دانش آموزان متوسطه مدارس دولتی	تهران	چندمرحله‌ای (خوشه‌ای، طبقه‌ای و تصادفی)	۳۸۴ نفر	مقتدرانه ۰/۴۱۷
							مستبدانه -۰/۴۵
							سهل‌گیرانه -۰/۳۴
۷	شوکت‌پور لطفی، شمسین	۱۴۰۰	دانش آموزان متوسطه مدارس نمونه دولتی	فومن	خوشه‌ای دومرحله‌ای	۲۰۰ نفر	مقتدرانه ۰/۵۴
							مستبدانه -۰/۰۴
							سهل‌گیرانه -۰/۲۵۸
۸		۱۳۹۸		کرمانشاه	خوشه‌ای	۲۱۴ نفر	مقتدرانه ۰/۴۸۶

فرا تحلیل مطالعات ارتباط سبکهای فرزندپروری والدین ... ۱۴۳

۰/۴۲۶-	مستبدانه				دانش آموزان متوسطه	وفاپور و همکاران	
۰/۳۵۶-	سهل گیرانه						
۰/۲۴-	مقتدرانه	۴۰۰ نفر	خوشه‌ای چند مرحله‌ای	مهاباد	دانش آموزان دبیرستانی	۱۳۹۳	۹ فداکار و همکاران
۰/۲۷-	مستبدانه						
۰/۰۹-	سهل گیرانه						
۰/۴۱	مقتدرانه	۳۷۴	خوشه‌ای	کرج	دانش آموزان	۱۴۰۱	۱۰ فداکار و همکاران
۰/۴۵-	مستبدانه						
۰/۳۴	سهل گیرانه						
۰/۲۰۱	مقتدرانه	۲۶۲	نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای	اهواز	دانش آموزان دبیرستانی	۱۳۹۳	۱۱ دهقانی، اصلانی، دریکوندی
۰/۱۰۱-	مستبدانه						
۰/۰۷۱-	سهل گیرانه						

بررسی مشخصات پژوهشهای منتخب در حوزه جامعه‌شناسی با تمرکز بر شاخصهای روایی، پایایی و نوع تحلیل داده‌ها در جدول ۴ آورده شده است. این پژوهشها شامل مقالات علمی از نویسندگان مختلف است که در شهرهای متنوعی نظیر مهاباد، مشهد، قم، بابل، تهران، فومن و کرمانشاه انجام شده‌اند. شاخصهای روایی به کار رفته شامل روایی سازه‌ای، محتوایی، تمایز و همگرا بوده و برای ارزیابی پایایی از روش کرونباخ استفاده شده است. در تمامی این پژوهشها، نوع تحلیل داده‌ها بر اساس ضریب همبستگی انجام شده است. تعداد نویسندگان در هر پژوهش متفاوت بوده و میدانهای مطالعاتی گوناگون برای تحلیل داده‌ها انتخاب شده‌اند که نشان‌دهنده تنوع در طراحی و اجرای این مقالات است. این داده‌ها، پایه‌ای برای اجرای فراتحلیل و ترکیب نتایج پژوهشها فراهم می‌کند.

جدول ۴: مشخصات پژوهشهای منتخب با شاخصهای روایی، پایایی و تحلیل داده‌ها برای فراتحلیل

ردیف	نوع پژوهش	نویسندگان	محل انجام پژوهش	نمونه	اعتبار	پایایی	نوع تحلیل داده‌ها
۱	مقاله	فداکار، مولایی، عزیزی ارشد، فرخی	مهاباد	دانشجویان دختر مقطع کارشناسی دانشگاه	روایی سازه‌ای	کرونباخ	ضریب همبستگی

			فردوسی مشهد				
۲	مقاله	شریفی، امیری، قاسمی	مشهد	دانش آمو زان دختر و پسر متوسطه	روایی محتوایی	کرون باخ	ضرب همبستگی
۳	مقاله	شریفی، امیری، قاسمی	قم	دانش آمو زان دختر متوسطه	-	کرون باخ	ضرب همبستگی
۴	مقاله	رجب تبار درویشی، یحیی زاده، حسینی	بابل	والدین	روایی سازه‌ای	کرون باخ	ضرب همبستگی
۵	مقاله	جهانگیرزاده، صادقی سرشت، شکری	قم	دانش آمو زان دختر متوسطه دوم	-	کرون باخ	ضرب همبستگی
۶	مقاله	طهماسب‌نژاد، آراین	بابل	دانش آمو زان متوسطه مدارس دولتی	روایی محتوایی	کرون باخ	ضرب همبستگی
۷	مقاله	نوربخش، اویسی فردویی	تهران	دانش آمو زان متوسطه مدارس نمونه دولتی	روایی تمایز	کرون باخ	ضرب همبستگی
۸	مقاله	شوکت پور لطفی، شمسیان	فومن	دانش آمو زان متوسطه	روایی همگرا	کرون باخ	ضرب همبستگی
۹	مقاله	وفاپور، مولایی پارده، مرادی، کریمی	کرمانشاه	دانش آمو زان دبیرستان ی	روایی سازه‌ای	کرون باخ	ضرب همبستگی

فرا تحلیل مطالعات ارتباط سبکهای فرزندپروری والدین ... ۱۴۵

۱۰	مقاله	گراوند، کمهر، حامدی نسب	مشهد	دانشجویا ن دختر مقطع کارشن اسی دانشگاه فردوسی مشهد	روایی سازه‌ای	کرون باخ	ضریب همبستگی
----	-------	----------------------------	------	---	------------------	-------------	-----------------

جدول ۵، نشان‌دهنده نتایج فراتحلیل انجام‌شده روی پژوهشهای مختلف در خصوص رابطه متغیرهای مورد بررسی است. بر اساس این جدول، اندازه اثر در پژوهشهای نمونه متغیر است؛ به طوری که بیشترین مقدار اثر مربوط به مطالعه شوکت پور با اندازه اثر ۰.۵۴ و حد بالا و پایین ۰.۴۳۴ و ۰.۶۳۱ است که نشان‌دهنده ارتباط قوی میان متغیرهای مورد مطالعه است. کمترین مقدار اثر نیز به مطالعه رجب‌طبا با اندازه اثر ۰.۱۴۲ و حد بالا و پایین ۰.۰۳۵ و ۰.۲۴۵ تعلق دارد. تمامی مقادیر Z در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار می‌باشند؛ زیرا مقدار p در تمامی موارد کمتر از ۰.۰۱ است. نتایج تحلیل اثرات ثابت نشان می‌دهد که میانگین اندازه اثر در مطالعات ۰.۳۳۳ با حد پایین ۰.۳۰۱ و حد بالا ۰.۳۶۳ است که دلالت بر معناداری قوی و ثبات نتایج پژوهشها دارد. در مدل اثرات تصادفی نیز میانگین اندازه اثر ۰.۳۴۵ با حد پایین ۰.۲۶۳ و حد بالا ۰.۴۲۳ محاسبه شده است که نشان‌دهنده پایداری نتایج در شرایط تغییرپذیری بیشتر بین مطالعات است. این نتایج حاکی از آن است که رابطه میان متغیرهای بررسی‌شده در تمامی پژوهشها قوی و معنادار بوده است و پژوهشها از اعتبار بالایی برخوردارند.

جدول ۵: خلاصه اطلاعات مربوط به فراتحلیل روی پژوهشهای نمونه

ردیف	پژوهشگران	اندازه اثر	حد پایین	حد بالا	Z-Value	p-Value
۱	گراوند	0.44	0.334	0.535	7.422	0
۲	شریفی	0.26	0.179	0.337	6.126	0
۳	رجب‌طبا	0.142	0.035	0.245	2.609	0.009
۴	جهانگیرزاده	0.138	0.047	0.224	2.951	0.003
۵	طهماسب‌نژاد	0.458	0.304	0.589	5.352	0
۶	نورابخش	0.417	0.331	0.494	8.903	0
۷	شوکت پور	0.54	0.434	0.631	8.48	0

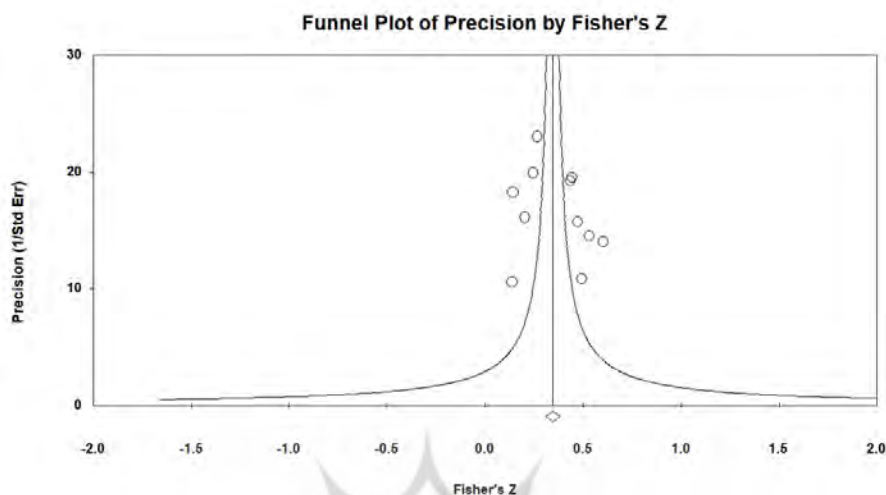
۸	وفاپور	0.486	0.376	0.582	8.418	0
۹	فداکار	0.24	0.145	0.33	4.677	0
۱۰	فداکار	0.246	0.152	0.336	4.892	0
۱۱	دهقانی	0.201	0.082	0.315	3.279	0.001
اثرات ثابت		0.333	0.301	0.363	19.415	0
اثرات تصادفی		0.345	0.263	0.423	7.776	0

جدول ۶، نتایج آزمون کیو را نشان می‌دهد که برای بررسی همگنی مطالعات انجام شده است. در مدل تصادفی، مقدار آزمون کیو برابر با ۷.۷۷۶ و درجه آزادی ۱۰ است. سطح معناداری برابر با ۰.۰۰۰۰ محاسبه شده که نشان‌دهنده وجود ناهمگنی معنادار بین مطالعات است. همچنین مقدار آی.اسکوئارد برابر با ۸۴.۵۴ و بیانگر میزان بالای ناهمگنی در نتایج مطالعات است.

جدول ۶: نتایج حاصل از آزمون کیو

مدل	مقدار آزمون کیو	درجه آزادی	سطح معناداری	I-squared
تصادفی	۷.۷۷۶	۱۰	۰/۰۰۰۰	۸۴.۵۴

با توجه به نمودار کیفی ذیل، نتایج نشان می‌دهد که تا حدودی تقارن نسبی بین پژوهشهای انجام‌شده برقرار است. با این حال، برای رسیدن به قضاوت دقیق‌تر، نیاز به استفاده از آزمونهای آماری مکمل وجود دارد. در این روش، فرض صفر (H_0) حاکی از متقارن بودن نمودار و عدم وجود سوگیری انتشار است؛ در حالی که رد فرض صفر (H_1) نشان‌دهنده عدم تقارن نمودار و وجود سوگیری انتشار می‌باشد. بنابر این، برای نتیجه‌گیری قطعی‌تر درباره سوگیری انتشار، انجام آزمونهای آماری نظیر آزمون ایگر یا آزمونهای مشابه توصیه می‌شود.



نمودار کیفی خطای انتشار پژوهش

۱. نتایج همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار

همبستگی رتبه‌ای (تاو کندال) میان اثر استاندارد و واریانس این اثرات، رابطه میان اندازه اثر و دقت را ارزیابی می‌کند. در این روش، مقدار صفر نشان‌دهنده نبود رابطه میان اندازه اثر و دقت است؛ در حالی که انحراف از صفر، به معنای وجود رابطه است. اگر عدم تقارن ناشی از سوگیری انتشار باشد، انتظار می‌رود با افزایش اندازه اثر، خطای استاندارد نیز افزایش یابد.

جدول ۷: نتایج حاصل از بررسی روش همبستگی بگ و مزومدار

شاخص آماری	مقدار ضریب	Z value	سطح معناداری	
			یک دامنه	دو دامنه
نتایج	0.14545	0.62280	0.26671	0.53342

بر اساس این یافته‌ها، مقدار ضریب کندال برابر با ۰.۱۴۵۴۵ بوده و سطح معناداری یک دامنه ۰.۲۶۶۷۱ و دو دامنه ۰.۵۳۳۴۲ است. این مقادیر نشان می‌دهند که رابطه ضعیفی میان اندازه اثر و دقت وجود دارد و این رابطه از نظر آماری معنادار نیست. بنابر این، فرض صفر مبنی بر متقارن بودن نمودار کیفی و عدم وجود سوگیری انتشار پذیرفته می‌شود.

۳. رگرسیون ایگر

در روش رگرسیون خطی ایگر، بررسی سوگیری انتشار به این صورت انجام می‌شود که در صورت نبود سوگیری، انتظار می‌رود اثر استاندارد در تحقیقات کوچک، کمتر و در

تحقیقات بزرگ، بیشتر باشد. این وضعیت منجر به ایجاد خط رگرسیونی می‌شود که با خط اصلی هم‌راستاست. اگر خط رگرسیونی ایجاد شده از سطح مورد انتظار انحراف داشته باشد، احتمال وجود سوگیری انتشار وجود دارد.

جدول ۸: نتایج بررسی روش رگرسیون ایگر

شاخص آماری	مقدار (B)	خطای استاندارد (SE)	t-Value	سطح معناداری (یک دامنه)	سطح معناداری (دو دامنه)
نتایج	2.93352	3.54125	0.82839	0.21444	0.42887

بر اساس نتایج به دست آمده، مقدار برش (B) برابر با ۲.۹۳۳۵۲ و خطای استاندارد (SE) برابر با ۳.۵۴۱۲۵ است. مقدار t-Value برابر با ۰.۸۲۸۳۹ محاسبه شده است. سطح معناداری برای آزمون یک دامنه ۰.۲۱۴۴۴ و برای دو دامنه ۰.۴۲۸۸۷ است. با توجه به اینکه سطح معناداری در هر دو آزمون معنادار نیست، می‌توان نتیجه گرفت که فرض صفر (H_0) مبتنی بر متقارن بودن نمودار کیفی و نبود سوگیری انتشار تأیید می‌شود. این نتایج نشان‌دهنده آن است که شواهدی مبنی بر وجود سوگیری انتشار در داده‌های بررسی شده وجود ندارد.

۴. ایمن از خطا

ایمن از خطا (N) یا تحلیل حساسیت روزنتال، تعداد مطالعات گمشده‌ای را مشخص می‌کند که باید به تحلیل اضافه شوند تا نتیجه کلی به یک اثر غیر معنادار تبدیل شود. این شاخص معیاری برای ارزیابی پایداری نتایج تحلیل متاآنالیز در برابر سوگیری انتشار یا مطالعات گمشده است. به عبارت دیگر؛ هرچه مقدار ایمن از خطا بیشتر باشد، نتایج تحلیل قوی‌تر و کمتر تحت تأثیر مطالعات گمشده قرار می‌گیرند. جدول ۹، یافته‌های مربوط به ایمن از خطا را ارائه می‌دهد.

جدول ۹: نتایج بررسی روش ایمن از خطا (N)

ردیف	شاخص آماری	مقدار
۱	Z برای مطالعات مشاهده شده	19.41
۲	P برای مطالعات مشاهده شده	0.00000
۳	آلفا	0.050
۴	تعداد دنباله‌ها (Tails)	2.00
۵	Z برای آلفا	1.95

فرا تحلیل مطالعات ارتباط سبکهای فرزندپروری والدین ... ۱۴۹

۶	تعداد مطالعات مشاهده شده	11.00
۷	تعداد مطالعات گمشده برای اینکه P-value بیشتر از آلفا شود	1068.00

با توجه به یافته‌های جدول ۹، باید تعداد ۱۰۶۸ مطالعه دیگر انجام و در تحلیل گنجانده شود تا مقدار P دوطرفه از حد آلفای ۰.۰۵۰ بیشتر نشود. این نتیجه نشان می‌دهد که نتایج تحلیل کنونی از دقت و صحت بالایی برخوردار است و تعداد ۱۰۶۸ مطالعه گمشده، فاصله‌ای معقول و قابل توجه برای ایمن بودن از خطا در نتایج نهایی فراهم می‌کند. بر اساس این تحلیل، می‌توان نتیجه گرفت که یافته‌های پژوهش، پایداری مناسبی دارند و خطای ناشی از سوگیری یا مطالعات گمشده، تأثیر معناداری بر نتایج کلی ندارد. همچنین با توجه به تحلیل مفروضات فراتحلیل، استفاده از مدل اثر تصادفی برای ترکیب نتایج و ارائه اندازه اثر نهایی توصیه می‌شود.

جدول ۱۰: اندازه اثر مطالعات رابطه بین سبکهای فرزندپروری اقتدارگرایانه با هویت دینی

پرسش	تعداد مطالعات	اندازه اثر (r)	حد پایین	حد بالا	Z-Value	P-Value
سبکهای فرزندپروری اقتدارگرایانه با هویت دینی	13	0.312	0.127	0.476	3.264	0.001

بر اساس نتایج جدول ۱۰، میانگین اندازه اثر میزان تأثیر سبکهای فرزندپروری اقتدارگرایانه با هویت دینی در نمونه مورد پژوهش، برابر با ۰.۳۱۲ است. از آنجا که این اندازه اثر در محدوده فاصله اطمینان (۰.۱۲۷ تا ۰.۴۷۶) قرار دارد، می‌توان به این برآورد نقطه‌ای اطمینان داشت. بر اساس نظام تفسیری کوهن، مقدار ۰.۳۱۲ نشان‌دهنده اثر متوسط است؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که سبکهای فرزندپروری اقتدارگرایانه در سطح متوسطی بر هویت دینی تأثیر گذارند. این یافته حاکی از آن است که سبکهای فرزندپروری اقتدارگرایانه می‌توانند نقش مهمی در افزایش هویت دینی ایفا کنند، اما این تأثیر در حد متوسط باقی می‌ماند.

جدول ۱۱: بررسی نقش تعدیل‌کنندگی متغیر مکان انجام پژوهش

مکان پژوهش	اندازه اثر (r)	حد پایین	حد بالا	مقدار Z	مقدار P
مشهد	0.44	0.3342	0.5349	7.4217	0/0000
قم	0.26	0.179	0.3375	6.1263	0/0000
بابل	0.142	0.0355	0.2453	2.6089	0/0000

0/0000	1.4633	0.3139	-0.0471	0.138	تهران
0/0000	5.3518	0.5889	0.3037	0.458	فومن
0/0000	8.6676	0.4964	0.3307	0.417	کرمانشاه
0/0000	8.4797	0.6314	0.4338	0.54	فومن
0/0000	7.7105	0.5822	0.3764	0.486	کرمانشاه
0/0000	4.8771	0.3303	0.1454	0.24	مهاباد
0/0000	8.3905	0.491	0.322	0.41	کرج
0/0000	3.2794	0.3145	0.0818	0.201	اهواز
0/0000	7.7757	0.4226	0.263	0.3453	مدل تصادفی (Random)

با توجه به داده‌های ارائه شده، نقش تعدیل کنندگی متغیر مکان در نتایج پژوهش بررسی شد. در جدول ۱۱، هر مکان مشخص، یک مقدار اثر (اندازه اثر) دارد که با حدود اطمینان، مقدار Z و P مرتبط است. مقادیر P در تمام موارد کوچکتر از ۰.۰۵ می‌باشند (در واقع ۰/۰۰۰۰ ذکر شده) که نشان می‌دهد تمامی نتایج از لحاظ آماری معنادارند. به بیان دیگر؛ داده‌ها نشان می‌دهند که مکان انجام پژوهش (برای هر شهر مشخص) تأثیر قابل توجهی بر نتایج دارد و تفاوت‌هایی در اندازه اثر بین مکانها وجود دارد. برای مثال، مشهد با اندازه اثر ۰.۴۴ و فومن با اندازه اثر ۰.۵۴ بالاترین تأثیر را نشان داده‌اند؛ در حالی که بابل و تهران اثرهای کوچک‌تری داشته‌اند.

جدول ۱۲: نتایج متارگرسیون بر مبنای تعدیل گری متغیر سال انجام پژوهش

مقدار p	مقدار Z	حد بالا	حد پایین	خطای استاندارد	برآورد نقطه‌ای	
0	5.0582 6	0.0500 5	0.0220 9	0.00713	0.03607	شیب
0	- 5.0235 6	- 30.524 4	- 69.580 9	9.96359	- 50.0527	عرض از مبداء

نتایج متارگرسیون بر مبنای تعدیل‌گری متغیر سال انجام پژوهش، نشان می‌دهد که سال انجام پژوهش تأثیر معناداری بر متغیر وابسته دارد. شیب برآورد شده برابر با ۰.۰۳۶۰۷ است؛ به این معنا که با هر واحد افزایش در سال انجام پژوهش، مقدار متغیر وابسته به طور متوسط ۰.۰۳۶۰۷ افزایش می‌یابد. این رابطه با بازه اطمینان ۰.۰۲۲۰۹ تا ۰.۰۵۰۰۵ و مقدار Z برابر با ۵.۰۵۸۲۶ کاملاً معنادار است ($p=0$). همچنین مقدار عرض از مبداء، ۵۰.۰۵۲۷- را نشان

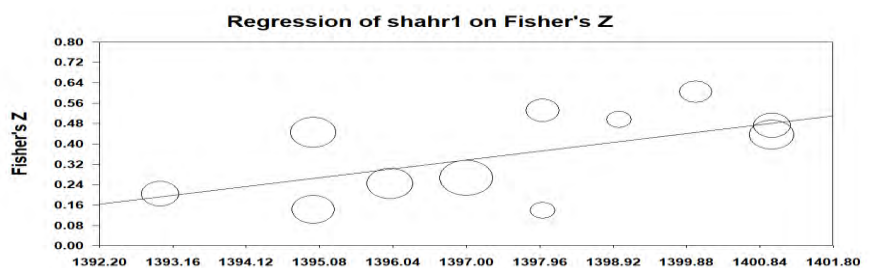
فرا تحلیل مطالعات ارتباط سبکهای فرزندپروری والدین ... ۱۵۱

می دهد که در سال صفر (سال مبنا)، مقدار متغیر وابسته بسیار پایین بوده است. بازه اطمینان عرض از مبدا ۶۹.۵۸۰۹- تا ۳۰.۵۲۴۴- و مقدار Z برابر با ۵.۰۲۳۵۶- نیز بر معناداری این مقدار تأکید دارند (p=0). این نتایج بیانگر تأثیر سال انجام پژوهش بر متغیر وابسته و روند افزایشی آن در طول زمان با سطح معناداری قوی است.

جدول ۱۳: نتایج متارگرسیون بر مبنای تعدیلگری متغیر سال انجام پژوهش

مقدار Q	حد بالا (اثرات تصادفی)	حد پایین (اثرات تصادفی)	برآورد نقطه‌ای (اثرات تصادفی)	حد بالا (اثرات ثابت)	حد پایین (اثرات ثابت)	برآورد نقطه‌ای (اثرات ثابت)	
64.6 817 2	0.42261	0.263	0.3453	0.36323	0.30117	0.33256	مقادیر مشاهده شده
94.7 894 5	0.38755	0.21746	0.30493	0.33263	0.273	0.30311	مقادیر تعدیل شده

نتایج متارگرسیون بر مبنای تعدیلگری متغیر سال انجام پژوهش، نشان می دهد که مقادیر برآورد نقطه‌ای در مدل اثرات ثابت و تصادفی قبل و بعد از تعدیل، تفاوت قابل توجهی دارند. در مقادیر مشاهده شده، برآورد نقطه‌ای در مدل اثرات ثابت ۰.۳۳۲۵۶ و در مدل اثرات تصادفی ۰.۳۴۵۳ است که هر دو با بازه‌های اطمینان مربوطه معنادار می باشند. پس از تعدیل، برآورد نقطه‌ای در مدل اثرات ثابت به ۰.۳۰۳۱۱ و در مدل اثرات تصادفی به ۰.۳۰۴۹۳ کاهش یافته است، که نشان دهنده تأثیر متغیر سال انجام پژوهش بر کاهش اندازه اثر است. مقدار بالای کیو در تمامی حالتها (قبل و بعد از تعدیل) نشان دهنده ناهمگنی معنادار بین مطالعات است؛ اما مقادیر تعدیل شده بیانگر کاهش نسبی این ناهمگنی می باشند. این نتایج تأکید می کنند که متغیر سال انجام پژوهش، نقش مهمی در تغییر اندازه اثر و کاهش ناهمگنی میان مطالعات ایفا می کند.



بر اساس نقش تعدیلگر متغیر سال انجام پژوهش، می‌توان گفت این متغیر در رابطه با سبکهای فرزندپروری اقتدارگرایانه و هویت دینی، نقش تعدیل‌کنندگی دارد. به عبارت دیگر؛ با گذر زمان، شدت رابطه بین سبکهای فرزندپروری اقتدارگرایانه و هویت دینی، افزایش یافته است.

(د) نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که رابطه بین سبکهای فرزندپروری اقتدارگرایانه و هویت دینی از لحاظ آماری، معنادار و با گذر زمان، تقویت شده است. تحلیل‌های انجام شده با استفاده از فراتحلیل و متارگرسیون نشان داد که متغیرهای تعدیلگری نظیر مکان و سال انجام پژوهش، نقش مهمی در تأثیرگذاری بر این رابطه دارند. به طور مشخص، یافته‌ها حاکی از آن است که در برخی مناطق جغرافیایی، مانند مشهد و فومن، تأثیر سبک فرزندپروری اقتدارگرایانه بر هویت دینی بیشتر بوده است؛ در حالی که در مناطقی نظیر تهران و بابل، این تأثیر کمتر بوده است. این تفاوتها بر اهمیت توجه به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی هر منطقه تأکید می‌کنند. همچنین نتایج متارگرسیون نشان داد که با گذر زمان، شدت رابطه بین سبک فرزندپروری اقتدارگرایانه و هویت دینی افزایش یافته است. شیب مثبت به‌دست آمده در متارگرسیون (۰.۰۳۶۰۷) نشان می‌دهد که با هر واحد افزایش در سال، اندازه اثر این رابطه نیز افزایش یافته است. این یافته‌ها بر روند رو به رشد اهمیت هویت دینی در سبکهای تربیتی اقتدارگرایانه در طول زمان تأکید دارند.

بررسی ناهمگنی مطالعات با استفاده از شاخصهای آماری، نظیر آزمون کیو و مقدار I-squared نشان داد که ناهمگنی معناداری بین نتایج پژوهشها وجود دارد. با این حال، تحلیل تعدیل شده نشان داد که این ناهمگنی با در نظر گرفتن متغیرهای تعدیلگر، از جمله سال انجام پژوهش، به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد. نتایج آزمونهای سوگیری انتشار، از جمله آزمونهای بگ، مزومدار و رگرسیون ایگر، تأیید کردند که سوگیری قابل توجهی در داده‌های پژوهش وجود ندارد و نتایج از دقت و صحت بالایی برخوردارند. همچنین شاخص ایمن از خطا نشان داد که تعداد زیادی از مطالعات گم شده لازم است تا نتایج به اثر غیر معنادار تبدیل شود؛ که این امر نشان‌دهنده پایداری بالای یافته‌هاست. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که سبکهای فرزندپروری اقتدارگرایانه تأثیر معنادار و متوسطی بر هویت دینی دانش‌آموزان دارند. با توجه به روند افزایشی این تأثیر در طول زمان، توصیه می‌شود سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزشی و فرهنگی، توجه بیشتری به تقویت این سبک تربیتی

در چارچوب اصول اخلاقی و فرهنگی داشته باشند. افزون بر این، تحلیل ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی مناطق مختلف می‌تواند به تدوین راهبردهای موثرتر برای تقویت هویت دینی در دانش‌آموزان کمک کند.

همان‌گونه که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، سبکهای فرزندپروری تأثیر معناداری بر هویت دینی نوجوانان دارند و به طور متوسط به تقویت این هویت کمک می‌کنند. مقدار اندازه اثر به دست آمده (۰.۳۱۲) بر اساس نظام تفسیری کوهن، در سطح متوسط ارزیابی می‌شود و نشان‌دهنده تأثیر قابل توجه سبکهای فرزندپروری، به ویژه سبک مقتدرانه، در شکل‌دهی هویت دینی است. این یافته‌ها با نتایج پژوهشهای پیشین از جمله مطالعات شوکت پور و شمسیان (۱۴۰۰)، وفاپور و همکاران (۱۳۹۸)، طهماسب‌نژاد و آراین (۱۳۹۹)، نوربخش و اویسی (۱۳۹۵)، فداکار و همکاران (۱۳۹۳) و همچنین پژوهشهای بین‌المللی مانند کوچ و همکاران (۲۰۲۴) و برنر (۲۰۲۱) هم‌راستا است. بنابر این، می‌توان گفت که یافته‌های این پژوهش ضمن تأیید شواهد پیشین، بر نقش تعیین‌کننده سبک فرزندپروری در تقویت هویت دینی نوجوانان تأکید دارند.

در جامعه ایرانی، هویت دینی نقشی کلیدی در شکل‌گیری ارزشها و باورهای فردی و اجتماعی دارد و سبکهای فرزندپروری نیز به عنوان یکی از عوامل اصلی تربیتی، می‌توانند نقشی تعیین‌کننده در این زمینه ایفا کنند. با توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی در کشور، لازم است مطالعات بیشتری پیرامون ارتباط سبکهای فرزندپروری و هویت دینی انجام شود؛ زیرا پژوهش حاضر تنها توانسته به بخشی از این نیاز پاسخ دهد. این نتایج نشان می‌دهد که سبکهای تربیتی مناسب می‌توانند بستری مؤثر برای تقویت هویت دینی در نسلهای آینده فراهم آورند و از این رو، توجه سیاستگذاران، مربیان و والدین به این موضوع ضروری به نظر می‌رسد. در مجموع، ادبیات پژوهش از یافته‌های حاضر پشتیبانی کرده و تأکید می‌کند که سبک فرزندپروری مقتدرانه، که مبتنی بر تعامل سازنده، نظارت همراه با محبت و احترام به استقلال فرزندان است، می‌تواند بستر مؤثری برای درونی‌سازی باورهای دینی فراهم آورد. با توجه به آسیبهای نظیر ضعف در هویت دینی، گرایش به رفتارهای پرخطر و تأثیرپذیری بالا از شبکه‌های اجتماعی، پیشنهاد می‌شود:

- والدین از طریق آموزش‌های کاربردی، با مفاهیم سبک فرزندپروری مقتدرانه و شیوه‌های تقویت هویت دینی آشنا شوند.

- مدارس و نهادهای فرهنگی برنامه‌های مشارکتی خانواده‌محور برای ارتقای دینداری نوجوانان طراحی کنند.
 - سیاستگذاران آموزشی، محتوای درسی تربیتی را به نحوی بازنگری کنند که هم‌راستا با تقویت ارزشهای دینی در خانواده باشد.
 - پژوهشهای آینده به نقش متغیرهای واسطه‌ای مانند عزت نفس، تعلق خانوادگی و سواد رسانه‌ای در این رابطه توجه بیشتری داشته باشند.
- با توجه به اهمیت رابطه بین سبکهای فرزندپروری و هویت دینی، پیشنهادهای ذیل برای تحقیقات آینده ارائه می‌شود:
- بررسی نقش متغیرهای میانجی؛ پژوهشهای آتی می‌توانند به بررسی تأثیر متغیرهایی مانند حمایت اجتماعی والدین، جهت‌گیری مذهبی والدین و هوش معنوی فرزندان به عنوان عوامل میانجی در رابطه بین سبکهای فرزندپروری و هویت دینی بپردازند.
 - مقایسه مطالعات بین‌المللی؛ برای درک بهتر تأثیر سبکهای فرزندپروری بر هویت دینی، مقایسه نتایج مطالعات داخلی با پژوهشهای مشابه در سایر کشورها می‌تواند دیدگاه جامع‌تری ارائه دهد و تفاوت‌های فرهنگی را برجسته کند.
 - بررسی تأثیر سبکهای فرزندپروری بر سایر ابعاد هویت؛ انجام فراتحلیلهایی که رابطه بین سبکهای فرزندپروری و مفاهیمی مانند هویت اجتماعی، هویت ملی و هویت فردی را بررسی می‌کنند، می‌تواند به درک عمیق‌تری از تأثیر فرزندپروری بر شکل‌گیری هویت در جوانان منجر شود.
 - مطالعه تأثیر تفاوت‌های جنسیتی؛ پژوهشهای آینده می‌توانند به بررسی تفاوت‌های جنسیتی در تأثیر سبکهای فرزندپروری بر هویت دینی بپردازند تا مشخص شود آیا این رابطه در بین دختران و پسران متفاوت است یا خیر.
 - تحلیل تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی؛ بررسی چگونگی تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر رابطه بین سبکهای فرزندپروری و هویت دینی می‌تواند به شناسایی متغیرهای مؤثر در این زمینه کمک کند.
- این پیشنهادها می‌توانند به غنای پژوهشهای آتی در زمینه سبکهای فرزندپروری و هویت دینی کمک کنند تا به درک بهتری از این رابطه پیچیده برسیم.
- مدل برون‌رفت از وضعیت موجود، در قالب جدول پیشنهادهای آموزشی، پژوهشی و کاربردی تدوین شده است. در بخش آموزشی، بر طراحی کارگاههای تربیتی ویژه والدین

با تمرکز بر سبک فرزندپروری مقتدرانه و گنجاندن محتوای تقویت هویت دینی در برنامه‌های آموزشی خانواده تأکید شده است. در حوزه پژوهشی، پیشنهاد شده است مطالعات آتی به بررسی متغیرهای میانجی مانند عزت نفس و تعلق خانوادگی پردازند و همچنین مقایسه‌ای تطبیقی میان سبکهای تربیتی در مناطق فرهنگی مختلف کشور صورت گیرد. در بُعد کاربردی نیز برنامه‌های مشارکتی میان خانه و مدرسه و همچنین تدوین راهنماهایی برای استفاده آگاهانه از فضای دیجیتال با رویکرد تربیت دینی، به عنوان راهکارهای عملی برای تقویت هویت دینی نوجوانان و ارتقای کارآمدی سبکهای فرزندپروری پیشنهاد شده است. این اقدامات می‌توانند به صورت گام به گام زمینه را برای خروج از وضعیت آسیب‌زای فعلی و حرکت به سوی تربیت دینی اثربخش‌تر فراهم آورند.

یکی از محدودیتهای این پژوهش، تنوع محدود مطالعات مورد تحلیل از نظر پراکندگی جغرافیایی، جمعیت‌های هدف و ابزارهای اندازه‌گیری بود که می‌تواند بر تعمیم‌پذیری نتایج تأثیر بگذارد. همچنین با وجود استفاده از روش فرا تحلیل، برخی از پژوهشهای واجد شرایط به دلیل عدم گزارش اندازه اثر یا اطلاعات آماری کافی، قابل استفاده نبودند.

از دیگر محدودیتهای می‌توان به ضعف در مقایسه نظام‌مند یافته‌های این پژوهش با مطالعات بین‌المللی اشاره کرد، که باعث شده است بحث و نتیجه‌گیری در زمینه همسویی یا تفاوت‌های فرهنگی و تربیتی، کم‌رنگ جلوه کند. همچنین متغیرهای تعدیلگر همچون جنسیت، پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده و نوع نهادهای دینی در تحلیل نهایی وارد نشده‌اند که می‌تواند مسیرهای ارتباطی را دقیق‌تر روشن کند.

منابع

- جهانگیرزاده قمی، م.؛ ف. صادقی سرشت و ح. شکری (۱۳۹۶). «رابطه دینداری و کمال گرایی والدین با سبک فرزندپروری والدین». *خانواده و پژوهشهای تربیتی*، ۱۴(۱): ۳۴-۴۹.
- رجب تبار درویشی، م.؛ ع. یحیی زاده و س. حسینی (۱۳۹۵). «رابطه بین سبکهای فرزندپروری با نگرش مذهبی و سلامت روانی دانش آموزان دختر». *تحقیقات تربیتی*، ۱۵(۴): ۶۷-۸۲.
- شریفی، م.؛ ح. امیری و ع. قاسمی (۱۳۹۷). «پیش بینی هویت اخلاقی نوجوانان بر اساس عملکرد خانواده». *علوم تربیتی و روان شناسی*، ۱۲(۳): ۹۸-۱۱۲.
- شوکت پور لطفی، م. و ر. شمسیان (۱۴۰۰). «رابطه شیوه های فرزندپروری و دین مداری با تاب آوری دانش آموزان». *علوم اجتماعی*، ۲۰(۱): ۵۶-۷۲.
- طهماسب نژاد، ک. و ع. آرین (۱۳۹۹). «بررسی رابطه بین شیوه های فرزندپروری مادران با پایگاه هویت و دینداری دانش آموزان دختر دوره متوسطه دوم». *تربیت اسلامی*، ۲۲(۳): ۸۹-۱۰۵.
- فداکار گیلو، ک.؛ م. مولایی یساولی، ع. عزیزی ارشد و ر. فرخی (۱۳۹۳). «آزمون مدل دینداری در دانش آموزان براساس سبکهای فرزندپروری با میانجی گری عزت نفس، هوش هیجانی و سلامت روان». *روان شناسی*، ۱۰(۲): ۵۶-۷۲.
- کلاتری، م.؛ ح. نشاط دوست، ا. عریضی و ج. باپیری (۱۳۹۸). «مدل یابی معادلات ساختاری ارتباط دینداری و شیوه های فرزندپروری با معنا در زندگی مبتنی بر میانجی گری سبکهای هویت در نوجوانان دختر». *پژوهشهای تربیتی*، ۱۲(۴): ۸۹-۱۰۸.
- گراوند، ح.؛ ع. کمهر و م. حامدی نسب (۱۴۰۱). «رابطه علی ادراک سبکهای فرزندپروری و جهت گیری مذهبی با میانجی گری کارکرد سبکهای تفکر دانشجویان دختر». *روان شناسی تربیتی ایران*، ۱۸(۲): ۱۴۵-۱۶۳.
- نوربخش، ع. و م. اویسی فردویی (۱۳۹۵). «دینداری و الگوی تربیتی خانواده (بررسی تأثیرات خانواده بر رفتار دینی نوجوانان در شهر تهران)». *تحقیقات دینی و اجتماعی*، ۱۶(۲): ۱۲۳-۱۳۸.
- وفاپور، ع.؛ م. مولایی، ر. مرادی و ک. کریمی (۱۳۹۸). «نقش سبکهای فرزندپروری و جهت گیری مذهبی والدین در پیش بینی هوش معنوی فرزندان آنها». *پژوهشهای روان شناختی*، ۱۸(۳): ۱۵۲-۱۳۴.
- Adamczyk, A. (2021). How parenting style affects success in passing on the faith. The Pillar.
- Bengtson, V.L., et al. (2019). "Intergenerational relationships and the role of religion: A longitudinal study across generations". *Journal of Marriage and Family*, 75(2): 293-307.

- Brenner, P.S. (2021). **"Religious Identity in a Proximate Social Structure: Mothers, Fathers, and the Religious Socialization of Their Children"**. *Journal of Religious Studies*. doi: 10.1007/978-3-030-76966-6_9
- Dollahite, D.C. et al. (2019). **"Family religiousness and adolescent well-being: A review of the literature and future directions for research"**. *Journal of Adolescence*, 72: 125-135.
- Gonzalez, M. (2022). **"Symbolic interactionism and the formation of religious identity in families"**. *Journal of Family Studies*, 28(4): 410-425.
- Hafid, A. (2023). **"Pendidikan Islam pada Anak Usia Dini: Peran Orang Tua dalam Membentuk Identitas Keagamaan dalam Rumah Tangga"**. *Mitra Ash-Shibyan*, 6(02): 99-114. doi: 10.46963/mash.v6i02.877
- Hwang, K.; S. Kim & J. Lee (2023). **"Parenting styles and their impact on children's religious identity: A longitudinal study"**. *Journal of Family Psychology*, 37(1): 45-59.
- Koch, P.R.; M. Herm & L. Rhodes (2024). **"The influence of parenting styles on the religious identity of adolescents in educational settings"**. *Journal of Sociology and Christianity*, 8(2): 127-145.
- Li, Y. et al. (2022). **"The impact of parental religiosity on adolescent behavior: A meta-analysis approach"**. *Review of Religious Research*, 60(2): 123-145.
- Miller, S. (2023). **"Structuration theory and the role of parents in religious value transmission"**. *Sociological Perspectives*, 66(1): 45-60.
- Patel, R. (2023). **"Cultural contexts and religious commitment among children in high-stress environments"**. *Journal of Cultural Sociology*, 12(1): 88-102.
- Petro, J.; Y. Riany & E. Nadozie (2018). **"The influence of parenting style on children's digital literacy and behavioral problems in Indonesia during the COVID-19 pandemic: A qualitative approach to understanding family dynamics and technology use in child-rearing practices"**. *Journal of Child Development Research*.
- Ryan, L. & E. Vacchelli (2013). **"Mothering through Islam"**: Narratives of Religious Identity in London. *Religion and Gender*, 3(1): 90-107. doi: 10.18352/RG.8421
- Schottenbauer, M.; J. Bartkowski & J. Kim-Spoon (2023). **"Examining the role of maternal religiosity in offspring mental health outcomes: A prospective study"**. *Journal of Family Psychology*, 37(1): 45-59.
- Winasih, J. et al. (2024). **"Peranan pola asuh orang tua dalam melaksanakan pendidikan kristiani terhadap remaja menurut amsal 1:8-9 di gereja Kristen jawa bahtera kasih"**. *Knowledge*, 4(2): 68-77. doi: 10.51878/knowledge.v4i2.3333
- Jahangirzadeh Qomi, M.; F. Sadeghi-Seresht and H. Shokri (2017). **"The Relationship between Parental Religiosity and Perfectionism with Parental Parenting Style"**. *Family and Educational Research*, 14(1): 34-49.

- Rajab-Tabar Darvishi, M.; A. Yahyizadeh and S. Hosseini (2016). **"The Relationship between Parenting Styles with Religious Attitude and Mental Health of Female Students"**. Educational Research, 15(4): 67-82.
- Sharifi, M.; h. Amiri et al. Ghasemi (2018). **"Predicting Adolescents' Moral Identity Based on Family Functioning."** Educational and Psychological Sciences, 12(3): 112-98. Shaukatpour Lotfi, M. and r. Shamsian (2021). **"The Relationship between Parenting and Religiosity Practices and Students' Resilience."** Social Science, 20(1): 72-56. Tahmasbnejad, K. and P. Aryan (2010). **"An Examination of the Relationship Between Mothers' Parenting Practices and the Identity and Religious Base of Female Secondary School Students."** Islamic Education, 22(3): 105-89.
- Fadakar Guillou and others (2014). **"Testing the model of religiosity in students based on parenting styles mediated by self-esteem, emotional intelligence and mental health"**. Psychology, 10(2): 72-56.
- Calantaree and others (2010). **"Structural equation modeling of the relationship between religiosity and meaningful parenting practices in life based on the mediation of identity styles in female adolescents"**. Educational Research, 12(4): 108-89.
- Geravand and others (2022). **"The Causal Relationship of Perceptions of Parenting Styles and Religious Orientation with the Mediation of the Functioning of Female Students' Thinking Styles."** Iranian Educational Psychology, 18(2): 163-145. Noorbakhsh, A. and M. Owaisi Ferdowei (2016). **"Religiosity and Family Educational Model (A Study of Family Effects on Adolescents' Religious Behavior in Tehran)"**. Religious and Social Inquiry, 16(2): 138-123.
- Wafapur, A.; m. Molaei, R. Moradi and K. Karimi (2010). **"The Role of Parents' Parenting Styles and Religious Orientation in Predicting Their Children's Spiritual Intelligence."** Psychological Research, 18(3): 152-134.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی